

علل انحراف تسهیلات تولید در کشور

♦ دکتر مسعود جمالی

رییس انجمن مدیران صنایع استان اصفهان



و متأسفانه مصرف اعتبارات به شکلی است که این انبوه نقدینگی تأثیری در تولید ندارد، در حالی که باید دولت و بانک مرکزی به صورت فعال و با نظارت جدی، تسهیلات‌دهی بانک‌ها را منوط به هدایت اعتبار به سمت تولید نمایند. عوامل انحراف وام‌های تولیدی را می‌توان به بخش‌های زیر دسته‌بندی نمود:

مداخله دولتی: دولت ایران نقش مهمی در تنظیم و توزیع تسهیلات تولید دارد. عدم پایداری در تصمیمات سیاسی و اقتصادی و پشتیبانی از بخش‌های خاص یا ایجاد اشتغال به شکل غیربهبوده و نهایتاً عدم بررسی نتایج آماری از تأثیرگذاری‌ها باعث انحراف تسهیلات از بخش‌های مولد اقتصادی بخش خصوصی شده است، ریسک بالا: وام‌های تولیدی معمولاً با ریسک‌های بالا همراه هستند. تولید کالاها یا خدمات ممکن است با ریسک‌های تولیدی، بازاری، نقدینگی و بسیاری عوامل دیگر همراه باشد. بانک‌ها برای مدیریت این ریسک‌ها نیاز به مهارت و منابع دارند که ممکن است هزینه‌های بیشتری داشته باشد، شرایط اقتصادی نامساعد: در شرایط اقتصادی تحریمی یکی از دلایل اصلی انحراف چشمگیر بانک‌ها از روند تسهیلات‌دهی را باید نقش عاملی به نام «تورم» دانست. با توجه به اینکه نرخ تسهیلات بانکی ثابت است، لذا در شرایط تورمی اعطای وام بانکی در نهایت چیزی جز ضرر و زیان نصیب بانک‌ها نخواهد کرد و بانک‌ها در این شرایط به دنبال کسب سود و درآمدزایی هستند تا دست‌کم بخشی از ناترازی خود را رفع کنند و به همین دلیل به سمت بنگاهداری و خرید مسکن حرکت می‌کنند تا از این راه بتوانند بازدهی بیشتری را کسب کنند،

مشکلات مالی بانکی: بارها در گزارش‌ها آمده و مقامات اقتصادی کشور نیز به آن اذعان کرده‌اند که سیستم بانکی کشور از ناترازی رنج می‌برد. منابع بانک‌ها در ادوار گذشته از محل

به دلیل افزایش قیمت ارز، مواد اولیه و هزینه‌های تولید، بسیاری از واحدهای صنعتی فعال کشور به شدت از کمبود نقدینگی رنج می‌برند. بند پ ماده ۴۶ قانون برنامه ششم توسعه، تولید را محور مهم در جهت‌گیری سیستم بانکی می‌داند، بر اساس این قانون سهم تولید از تسهیلات بانکی باید ۴۰ درصد باشد. متأسفانه بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که در سال‌های گذشته کمتر از ۴۰ درصد تسهیلات اعطایی از طریق سیستم بانکی در حوزه سرمایه‌گذاری و تولید هزینه شده است. طبق گزارش بانک مرکزی، میزان وام‌های پرداختی در سال ۱۴۰۱ با رشدی ۴۵،۳ درصدی همراه بوده، ۳۷ درصد از کل تسهیلات نیز وارد بخش صنعت و معدن شده است. اینکه چرا بانک‌ها بر اساس آمارها در سال ۱۳۹۹، ۲۷ تا ۳۰ درصد تسهیلات را به تولید اختصاص داده‌اند یا در سال ۱۴۰۰ کمتر از ۳۸ درصد متقاضیان تولیدی موفق به اخذ وام شده‌اند را باید در ساختار اقتصادی کشور جستجو کرد. ناترازی، نسبت بالای مطالبات مشکوک‌الوصول، ابهام در اعطای تسهیلات، نسبت پایین تسهیلات به سپرده، خودداری از اعطای تسهیلات به بخش تولید و سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرمولد مانند مسکن و زمین، از چالش‌های عمده بانکی محسوب می‌شوند. نسبت پایین تسهیلات برخی بانک‌ها نشان می‌دهد که این بانک‌ها به جای کارکرد اصلی خود، مشغول بنگاهداری هستند که این امر به فریز شدن بخش عمده‌ای از منابع بانکی در بخش‌های غیرمولد و جلوگیری از حرکت نقدینگی بانک‌ها به سوی تولید منجر می‌شود. فاصله بین رشد نقدینگی و رشد تولید ناخالص داخلی، فاصله‌ای نجومی و غیرقابل قبول است

تبصره‌های تکلیفی و منابع بودجه پول‌های کلانی را به طرح‌هایی اختصاص داده‌اند که فاقد توجیه اقتصادی یا بر اساس ضوابط غیر شفاف بوده و اکنون این منابع به بن‌بست رسیده و کاهش توانایی آن‌ها در پرداخت تسهیلات باعث انحراف تسهیلات به سمت تعداد محدودی از وام‌گیرندگان شده و سخت‌گیری‌های بیشتری در اعطای وام به صنایع و کسب‌وکارهای کوچک تولیدی می‌شود، جذابیت سایر بازارها: از نگاه دیگر کاهش نرخ سرمایه‌گذاری در تولید نشان می‌دهد که جذابیت و سودآوری سایر بازارها به نسبت تولید بالاتر است. منابعی که باید از طریق بازارهای مالی به سمت تولید سوق پیدا کند یا در بانک‌ها بلوکه شده است و یا در بخش‌های غیر مولد اقتصادی جاری است.

این عوامل می‌توانند به شکل ترکیبی باعث انحراف تسهیلات تولید و ناتوانی در بهره‌وری بهینه از منابع مالی و ایجاد توسعه پایدار در کشور شوند و برای حل آن‌ها چاره‌ای جز عقلانیت در تصمیم‌گیری‌ها، اصلاحات کلان اقتصادی و ایجاد شفافیت نیست. ♦♦